

ماهنامه

# مردم ارکان مرکزی حزب توده ایران

پیروز باد پیکار خلق قهرمان و بینام که از حق مقدس اداره سر نوشت خویش  
علیه امپریالیستهای متجاوز امریکائی با جانفشانی و دلاوری دفاع میکند!

## در باره «انقلاب آموزش عالی» در ایران

از کنفرانس غله تاکفرانس

آموزشی

آقای هویدا طی سخنرانی خود در کنفرانسی که بمنظور بررسی طرق افزایش

نامه شاد باش کمیته مرکزی حزب توده ایران به

### رفیق ایرج اسکندری

دبیر حزب توده ایران  
بمناسبت شصت سالگی

رفیق بسیار عزیز!

کمیته مرکزی حزب توده ایران شصتمین سال تولد شما را که یکی از اعضای میرز رهبری حزب توده ایران و یکی از بنیاد گذاران این حزب هستید از صمیم قلب شاد باش میگوید.

شما از آغاز جوانی و ایام تحصیل در فعالیت انقلابی شرکت جستید و سراسر زندگی آگاهانه خویش را وقف خدمت به اندیشه‌های تابناک مارکسیسم-لنینیسم کرده‌اید. شما یکی از یاران و همکاران نزدیک دکتر تقی ارانی رهبر شهید زحمتکش ایران هستید و همراه وی مجله «دنا» را که نقشی مؤثر در بیداری جمعی از کارگران و روشنفکران و گرایش آنها بسوی اندیشه‌های انقلابی داشت ایجاد نموده‌اید، بمناسبت فعالیت انقلابی خود شما سالیان چندی از بهترین ایام حیات خود را در زندان گذرانیدید و بمناسبت همین فعالیت انقلابی از طرف رژیم کنونی غیاباً محکوم به اعدام و مجبور به زندگی دور از میهن شده‌اید. ولی شما در هر مقامی که بودید، خواه در مقام دبیری حزب، خواه در مقام عضویت در فراکسیون حزبی در مجلس ۱۴، خواه در مقام وزارت پیشه و هنر پیوسته با ایمان راسخ دنبال راه و آرمان حزب توده ایران رفته‌اید. شما در تنظیم خط مشی حزب و انطباق جهان بینی وی بر شرایط ایران پیوسته نقش ارزنده‌ای ایفاء کرده‌اید.

همه کسانی که شما را میشناسند نه فقط بمناسبت شخصیت اجتماعی و سیاسی، بلکه همچنین بسبب شخصیت انسانی تان بشما علاقه و احترام قافی دارند.

رفیق عزیز،

ما آرزو مندیم که از عمر دراز و تندرست و ثمر بخشی بسود حزب و جنبش مردم میهن عزیز ما بر خوردار باشید و در آینده بتوانید مصدر خدمات برجسته تری نسبت به آرمانی شوید که طی زندگی بدان دل بسته و مؤمن بوده‌اید.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

## بلیه عظیم

خبر وحشت آوری همه جهان را تکان داد. بخش وسیعی از خراسان در زیر ضربت خورد کننده زلزله قرار گرفت: شهرهای فوس، گناباد، کاخک، قائن و صد ها هزاره ای مبدل گردید. تعداد کشتگان از ۲۰ هزار و زخمی ها از ۵۰ هزار متجاوز است. سخن از ۲۰۰ الی ۴۰۰ هزار بیخانمان در میان است. چنین بلیه طبیعی تاکنون در ایران سابقه نداشته است و در جهان نیز از شمار صعب ترین بلیای طبیعی است.

روشن است که عواقب شوم زلزله را فقر مردم و عقب ماندگی شدید ناحیه زلزله دیده تشدید کرده است. کلبه های گلین و خانه های ناستوار در این نواحی طاقت لرزش مداوم زمین را نداشتند. شهرهای غیر مجهز ما ده های قرون وسطایی که در آن وسائل تمدن بعد اقل ممکن است نمیتوانند زبانهای عمیق وارده از زلزله را جبران کنند. زخمی ها را درمان نمایند. افراد زنده ای را که در زیر آوار مانده اند بموقع نجات دهند. لذا مصیبتی که بر سر هم میهنان ما در خاور کشور آمده است، همدستی بلیای طبیعی و اجتماعی است و مسئولیت آن تنها با طبیعت نیست.

نه فقط یک ایرانی که هر قدر از دور باشد، نمیتواند ناله ها و گریه های جانسوز کودکان یتیم و خاندانهای مصیبت رسیده را نشنود، بلکه هر انسانی در جهان اکنون از این فاجعه بشدت متأثر است. ما بنوبه خود از همه هموطنان میخوانیم با کلیه امکانات خود بیاری زلزله زدگان بشتابند و این کار را بیک امر مشترک ملی مبدل سازند. باید تا آنجا که ممکن است از آرام هم میهنان بلا رسیده ما کاست. ما اطمینان داریم که در این روز های دشوار روح همبستگی مردم ایران یکبار دیگر جلوه گر خواهد شد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران و هیئت تحریریه «مردم» این فاجعه را ب همه مردم ایران و بویژه به آسیب دیدگان زلزله از صمیم قلب تسلیت میگوید.

### مقاله

## در باره حوادث

## چک اسلواکی

را در صفحات ۳ و ۴ مطالعه فرمائید

## ده روز فستیوال، ده روز

### اهتراز پرچم جوانان توده

ده روز سرود و مارش، ده روز رقص و آواز، ده روز دوستی و رفاقت، ده روز همبستگی برای بهترین آرزوهای بشریت شهر قدیمی صوفیه را جوان کرده بود، ۲۰ نفر جوان از ۱۴۳ کشور در فستیوال شرکت کردند، برنامه پر و رنگارنگ بود، هر روز صدها فعالیت هنری و ورزشی انجام میگرفت ولی مهمترین خاطره ای که از فستیوال نهم برجای ماند، بحثها کنفرانسها و میتینگها بود که نشان میداد جوانان بکار سیاسی و شرکت در فعالیت سیاسی در مقیاس میهنی و بین المللی علاقه بیشتری نشان میدهند. فستیوال در اسنادیون واسیلی لوسکی افتتاح شد، ۷۰ هزار نفر در این مراسم شرکت کردند، تئودور زیوگف نخست وزیر جمهوری توده ای بلغارستان صحبت کرده و با این جملات شروع فستیوال را اعلام نمود:

«خبرمقدم برقای جوان، خبر مقدم به پیشروان فردای تابناک بشریت».

رژه شروع شد، در پیشا پیش همه دانشگاهیون و بینام قهرمان شرکت میکرد، دختران و پسران جوان که چند روز قبل با دنباله در صفحه ۵

## اسناد حزبی درباره حوادث

### چکوسلواکی

حزب توده ایران حوادثی را که از آغاز سال ۱۹۶۸ در جمهوری سوسیالیستی چکوسلواکی میگذشت با دقت تعقیب نمود. برخی پدیده های ناسالم بویژه رخنه تدریجی عوامل ضد سوسیالیستی و ضد انقلابی، فعالیت روز افزون امپریالیستهای امان غربی و آمریکا و رفت و آمد عمال آنها در چکوسلواکی و ارتباط وسیعی که در داخل این کشور سوسیالیستی بوجود آورده بودند بحق برای احزاب کمونیستی و کارگری و از جمله حزب ما نگرانی آور بود. بهمین جهت حزب ما مذاکرات و موافقت های چپ ارنا و براتیسلاوا را بمثابه گام مهمی در راه جلوگیری از این وضع و سالم کردن محیط در کشور سوسیالیستی چکوسلواکی تلقی نمود و اظهار امیدواری کرد که حزب و دولت چکوسلواکی با اجراء مدلول موافقتنامه های مزبور بر اوضاع تسلط یابند و خود را سبب مشکلاتی که مورد تصدیق زمامداران آن کشور نیز بود فائق آیند. متأسفانه حوادث این امیدواری را تأیید نکرد و سرانجام پنج کشور سوسیالیستی متفقاً تصمیم گرفتند که بکمک مردم زحمتکش چکوسلواکی و سرکوب ضد انقلاب بشتابند.

نظر بملاحظات فوق از همان آغاز هیئت دبیران کمیته مرکزی این اقدامات را مورد تأیید قرار داد و ضمن اسنادی که ذیلا نقل میشود موضع خود را که ناشی از خصلت عمیقاً انتروناسیونالیستی حزب ماست روشن ساخت.

اظهار نظر هیئت دبیران کمیته مرکزی حزب توده ایران که بوسیله رفیق رادمش دبیر اول کمیته دنباله در صفحه ۶

غله تشکیل شده بود، بدون آنکه میان امور غله کاری و مسائل دانشگاهی ارتباط مستقیم وجود داشته باشد، مسئله تحقیقات را برای انتقاد از ناسامانی وضع دانشگاهها و امور پژوهش در کشور دستاویز قرار داد. سخنان نخست وزیر در این کنفرانس سر و صدا و جنجالی بزرگ و بقول مطبوعات «موجی» از انتقاد بیا نمود. در پی انتقادات نخست وزیر استعای جمعی رؤسای دانشگاهها و سپس رؤسای دانشکده ها انجام گرفت. پس از اعلام عدم صلاحیت بعضی دانشگاهیان مقاومت سرسختانه و اعلامیه تیرنه جوانه رئیس دانشگاه تهران پیش آمد، معلوم شد که دانشگاهیان روح «انقلاب اداری و آموزشی» شاه را درک نکرده اند و وزارت علوم که عهده دار انجام انقلاب در سطح مدارس عالی بود، بقول نخست وزیر فقط «در روی کاغذ» تشکیل شده است. «موج» برخاسته از نطق نخست وزیر در کنفرانس غله تهران تا سواحل دریای خزر دامن کشید، در کنفرانس آموزشی رامسر باوج خود رسید و «منشور انقلاب آموزشی» را بارمغان آورد.

آقای نخست وزیر پس از اینهمه هیاهو و صحنه سازی و کنفرانس بازی بالاخره اعلام داشت که «منظور از انقلاب آموزشی که صورت گرفت (?) بهیچوجه تخطئه افراد بخصوص نبود». رئیس جدید دانشگاه تهران نیز که «به پیروی از منویات شاهنشاه آریا مهر» برنامه نو سازی دانشگاه تهران را عهده دار شده است، علیرغم تمام انتقاداتی که بدانشگاهیان وارد آمد، «نهایت افتخار» خود دانست که «جانشین رؤسائی دانشمند و مدبر... که لیاقت خود را به اثبات رسانده اند» شده است! از فحواي نوشته های مطبوعات میتوان باین نتیجه رسید که در میان مدعیان اجرای منویات شاهانه اختلافاتی وجود داشته است و تمام انتقادات و سر و صداها از سوئی بمنظور جلب افکار بانقلاب آموزشی شاهانه انجام گرفته است و از سوی دیگر بمنظور زمینه سازی برای گروه معین از مدعیان یا بقول مطبوعات برای سرکار آوردن «تیم» عیاس هویدا و مجید رهنما.

ولی صرف نظر از جنبه های تبلیغاتی و صحنه سازهای گروههای مخالف، عوامل عمیق تر و نیرومند تری موجبات طرح مسائل آموزشی را در ایران فراهم آورده است که در خورد بررسی جدی تر است.

### علل عقب ماندگی آموزش عالی در ایران

دانشگاهها و مدارس عالی ایران هم در کار پژوهش و هم در امر تربیت کادرهای متخصص در وضع ناهنجاری قرار دارند و کار آنها با نیازمندیهای رشد کشور و مقتضیات دنباله در صفحه ۲

## در باره «انقلاب آموزش عالی»

جهان کنونی بهیچوجه هماهنگی ندارد. نخست وزیر در کنفرانس غله تهران ضمن تأیید نظر کسانی که میگویند این وضع «نتیجه مستقیم مقررات و تشکیلاتی است که در گذشته حاکم بر سرنوشت این مؤسسات بوده و اکنون باید تغییر یابد» معتقد است که «گذشته هر چه باشد، بیشتر مسئولان امر یا نخواسته و یا توانسته اند که با شهامت و قاطعیت بکار برکندن ریشه های درد بپردازند» و بهر حال «بین افراد و سیستم های تشکیلاتی رابطه ای ناگسستنی موجود است». بنا بر این آقای نخست وزیر فقط قیود و مقررات اداری و عوامل ذهنی را علل ناسامانی امر دانش پژوهی و دانش جوئی در ایران میدانند و آن عوامل بنیادی و عینی را که موجبات عقب ماندگی رشد اجتماعی و اقتصادی و بالنتیجه تکامل علم و فرهنگ کشور ما را فراهم آورده است، پرده پوشی میکند. بی دلیل نیست که شاه نیز مسائل اداری و آموزشی را در یک ردیف قرار میدهد و آخرین «انقلاب» خود را «انقلاب اداری و آموزشی» نام میگذارد.

مقررات اداری و عوامل ذهنی همیشه در امر پیشرفت کشور تأثیر منفی داشته است و سالهاست که احزاب و گروههای مترقی، دانشمندان و دانشجویان این قبیل نواقص و نقائص را بیاد انتقاد گرفته اند و چه بسا آزادی و جان خود را در این راه از دست داده اند. یکی از مجله های تهران ضمن اشاره بانقادات نخست وزیر بدرستی یادآور شد که «انتقادات بیان شده حرفهائی بود که باصطلاح دانشجویان از حفظند. اما عنوان کردنش همیشه موجب دردسرشان شده است و اکثراً از قید آن گذشته اند».

عقب ماندگی ایران در زمینه آموزش و فرهنگ بیش از همه معلول علل و عوامل بنیادی است و از نظام اجتماعی و رژیمهای سیاسی حاکم بر سرنوشت کشور سرچشمه گرفته است.

نظام اجتماعی متکی بر مالکان نهمه فئودال و بازرگانان دلال انحصارات خارجی به پیشرفت دانش و توسعه پژوهشهای علمی نیازی نمیدید. دسائس دول استعمارگر و تسلط سرمایه های امپریالیستی مزید بر علت میشد. تاکنون جوانه های ضعیف و پراکنده تولید سرمایه داری نیز نمیتوانست انگیزه های لازم در زمینه پیشرفت علم و فن فراهم سازد.

در چنین شرایطی دانش و فرهنگ فقط تا حدودی که نیازهای معنوی بسیار محدود و چه بسا مسخ شده طبقات و قشرهای حاکم را برآورده سازد و به بقای سلامت جسمانی آنها یاری رساند و اهرمهای اداری و نظامی حافظ نظام و رژیم موجود را تأمین کند، مورد توجه بود. از اینرو حتی تا چند سال پیش فقط رشته های ادبیات و الهیات، تاریخ و حقوق و تا حدودی طب و کشاورزی و چند رشته کلاسیک علوم دقیقه (فیزیک و شیمی و ریاضیات) آنها در سطح تئوریک و نه تجربی و انطباقی میتوانست

باسخگویی تمام حوائج این نظام و این رژیمها باشد. ایجاد دانشگاه با بنای زیبا و مدرن، گر چه بدون آزمایشگاه و آزمایشگر، مظهر تمدن قلنداد میشد و نه یک ضرورت اجتماعی و اقتصادی، رفتن بدمدرسه و دانشگاه، اخذ دیپلم و لیسانس بیشتر جنبه تجمل و تشخص پیدا میکرد تا وسیله ارضاء نیازهای مبرم. القاب و کیل دعاوی و دکتر، دیپلمه و لیسانسیه مظاهر روشنفکری و دانش نمائی و ابده آل جوانان متمکن بود و مایه تشخص اجتماعی و وسیله رسیدن به جاه و مقام و عامل ثروت و قدرت.

در اینجا میان خواستها و مقتضیات بنیاد اجتماعی و اقتصادی کشور و سطح تکامل علم و شیوه های آموزشی هماهنگی نسبی وجود داشت. این هماهنگی حتی در دوران استبداد رضا شاه و مدتی از دوران حکومت مطلقه فرزند او نیز کم و بیش وجود داشت. زیرا همراه با تحرك نسبی در وضع اجتماعی و اقتصادی کشور، تغییراتی نیز در زمینه دانش و آموزش پدید آمد. این هماهنگی نسبی بمعنای کمال مطلوب دوران نبود، بلکه هنگامی فرهنگ عقب مانده با اقتصادی و امانده بود. و گر نه امکانات مادی و انسانی بالقوه و میراث و سنن علمی و فرهنگی کشور ما اجتماعی زنده تر، اقتصادی پویانه تر و فرهنگی غنی تر و بازآور تر را ایجاب میکرد. ولی هر چه بود در خورد ایرانی محصور در چنگال استعمار و سرمایه خارجی و مغروق در شیوه ها و سیره های ماقبل سرمایه داری بود.

## تغییر شرایط و بروز تضادها

تبعات رژیم طرح مسائل آموزشی و اقدامات اخیر را نتیجه تدبیر و خرد شاهانه جلوه گر میسازد. ولی این ادعائی بیش نیست. تحت تأثیر یکسلسله عوامل داخلی و خارجی، عواملی که بطور عمده از دیالکتیک رشد درونی جامعه ناشی میشود و نیز عواملی که از منطق تکامل جهانی سرچشمه میگردد و در این میان پیدایش سیستم جهانی سوسیالیستی و تغییر تناسب نیروهای جهانی بسود سوسیالیسم نقش عمده دارد، در بنیادهای اقتصادی و اجتماعی ایران دگرگونیهای معین و محسوس پدید آمده است. صنایع و بازرگانی، حمل و نقل و ارتباطات با آهنگی نسبتاً سریع و کشاورزی با سرعتی کمتر در حال پیشرفت است. نظام کنونی دیگر نظامی نیست که صرفاً به طبقه مالکان نیمه فئودال و قشرهای کمپرادور متکی باشد. سرمایه داری از صورت تک جوانه های پراکنده و ضعیف خارج شده است و با سرعتی محسوس در تمام رشته های اقتصادی و شئون اجتماعی ریشه میدواند.

رشد اقتصادی، پیشرفت معین را در زمینه علوم و آموزش کادرهای لازم برای رفع نیازمندیهای نیروهای مولده ایجاب میکند. اکنون چند سالی است که ایران از لحاظ کادرهای علمی و فنی چه در سطح عالی و چه در سطوح پایین تر با دشواریهای جدی روبروست. باین دشواریها مانند گذشته

نمیتوان از راه وارد کردن عده ای متخصص و مشاور از خارج پایان داد، زیرا حوائج کنونی وسیعتر از گذشته است. آنچه دیروز نشانه هماهنگی نسبی در یک جامعه عقب مانده بود، امروز مبین ناسازگاری شدید در جامعه است که در اثر نفوذ امپریالیسم و تسلط رژیمهای غیر ملی و غیر دموکراتیک با تأخیر فراوان در راه پیشرفت نسبی گام نهاده است. این ناسازگاری بصورت تضادها و ناهماهنگیهای معین در زمینه دانش و پژوهش بروز میکند. تضاد میان سطح موجود آموزش و دانش و خواستهای رشد اقتصادی و اجتماعی کشور - عمده ترین تضاد در زمینه فرهنگ ماست.

کمبود کادرهای علمی و فنی در تمام سطوح و اغلب رشته ها، عدم تناسب میان رشته های مختلف علوم و فنون و نقائص کمی و کیفی مراکز آموزشی از لحاظ کادر و وسائل آموزشی و سیستم آموزشی از مظاهر این تضاد عمده هستند.

عوامل معین نیز وجود دارد که به تشدید این تضادها کمک کرده است: افزایش سریع جمعیت، بهبود نسبی وضع مادی مردم، توجه بیشتر اهالی با آموزش و دانش که با سرعتی بیش از ازدیاد نفوس و بهبود وضع مادی آنان افزایش مینابند، فقدان سیستم علمی آموزش و برنامه عمل، قلت وسایل مادی بعلت کثرت هزینه های اداری و نظامی و غیره.

حل این تضاد عمده و از میان برداشتن مظاهر و عوامل مشدده آن مستلزم اقدامات وسیع مبتنی بر برنامه علمی و عملی و صرف هزینه های فراوان است. «منشور انقلاب آموزشی عالی» که در کنفرانس رامسر به تصویب رسید، هدف ها و اصول و نحوه اجرای این «انقلاب» را که باید معطوف به حل این تضادها باشد، تعیین نموده است. به بررسی اجمالی خطوط کلی این منشور میپردازیم.

## هدف های «انقلاب»

در ماده اول منشور هدف عمده انقلاب با استناد به گفته شاه چنین تعیین شده است: «هدف اساسی از تحول آموزشی آنست که شخصیت جوانان ما و حسن اعتماد به نفس ایشان از هر جهت تقویت شود... و این تحول باید بجوانان ایران امکان بدهد که استعداد های مختلف آنان در هر رشته ای با بهترین صورت به تجلی در آید». آیارژیم کنونی بانجام این هدف قادر است؟ بدیهی است رژیم که تمام مظاهر آزادی و دموکراسی را در سراسر کشور از بین برده است، با وارد کردن فشار بدانشجویان، با حاکم کردن «آئین نامه انتظامی» که هدفش جلوگیری از هرگونه اظهار نظر انتقادی و کشتن شخصیت دانشجویان و سرکوب کردن جنبش دانشجویی بدست کماندو ها و پلیس و سازمان امنیت است، با اعزام دانشجویان «ناراحت» بخدمت سربازی بعنوان مجازات و با توسل بانواع فتنه ها و نیرنگها نمیتواند شخصیت جوانان ما را در دانشگاهها پرورش دهد و در آنان اعتماد به نفس ایجاد کند.

رژیمی که با ایجاد شهریه های سنگین و دریافت ورودیه هزاران جوان مستعد ولی بی بضاعت را از ادامه تحصیل باز میدارد و راه را برای بی استعدادان متمکن هموار میسازد، قادر نخواهد بود که استعداد های جوانان ما را پرورش دهد. تا زمانیکه آزادی و دموکراسی در سراسر کشور برقرار نشود، تا زمانیکه موانع مالی و مادی از پیش پای اکثریت جوانان ایران برداشته نشود، این هدف مضمون خود را از دست خواهد داد و اعلام آن چیزی جز عوامفریبی نخواهد بود.

توسعه کارهای پژوهشی، ایجاد «روخیه تحقیق و کنجکاوی علمی» و اینکه «باید اصولاً جامعه ما بطور دائم خودش را با مقتضیات پیشرفت و تکامل تطبیق دهد بطوری که همیشه از این لحاظ با مترقی ترین جوامع جهان همگام باشد» از هدفهای دیگر انقلاب آموزشی است. در ماده ۲۵ منشور اعلام شده است که «سازمان و تشکیلات اداری و مالی دانشگاه باید در جهت ایجاد محیط مناسب برای علم و تحقیق تغییر یابد و مقتضات اداری و مالی آن باید متناسب با مقتضیات علمی و فنی در هر رشته باشد که آزادی عمل کسانی را که مسئول اجرای برنامه های دانشگاهی هستند تأمین نماید». در مورد این هدف نیز این سؤال مطرح میشود که رژیم که آزادی بیان و قلم را ریشه کن ساخته است و حتی عقاید را تحت کنترل سازمان امنیت قرار داده است، چگونه میتواند برای بررسی های علمی و بخصوص در زمینه علوم اجتماعی که بیش از هر چیز به محیط آزاد و فارغ از ترس نیازمند است «محیط مناسب» و «آزادی عمل» بوجود آورد و یا با بودجه تحقیقاتی ناچیز خود که با افزایش روزافزون هزینه های نظامی و اداری بیش از پیش در تنگنا قرار میگیرد شرایط مالی فراهم سازد. هدف واقعی رژیم تربیت مشتکی تکنوکرات بی روح و آلت دست است که تنها وظیفه اش باید خدمت به نیازهای مادی و معنوی رژیم باشد. و اما در باره «همگامی» با مترقی ترین جوامع باید گفت که پیش کشیدن تحقیقات

آتمی و کیهانی و تبلیغاتی این هدف را روشن ظاهر سازی و تبلیغاتی این هدف را روشن میسازد. ایران که هنوز خاکهای خود را برای امور کشاورزی تجزیه نکرده است، نمیتواند و نباید در فکر تجزیه ام باشد، ایران که هنوز تقریباً به پژوهش منابع زیر زمینی خود نپرداخته است، نمیتواند و نباید در صد پژوهش سماوات برآید، ایران که هنوز نمونه های نفت خود را برای آزمایش بخارچه میفرستد، نمیتواند و اجازه ندارد به تولید سوخت هسته ای اقدام نماید و یا بجای اصلاح نژاد دامهای کشاورزی در فکر سخیف تغییر رنگ سیاهپوستان باشد.

ایران در شرایط کنونی و بخصوص با بودجه و امکانات محدود خود نمیتواند در صد پژوهشهای وسیع و بخصوص پژوهش های انتزاعی باشد. نتایج تحقیقات پر دامنه در تمام رشته های علم و فن بمقیاس وسیع در سراسر جهان منتشر میشود. اشکال کار در دسترسی به نتایج این تحقیقات نیست، بلکه در یافتن دنباله در صفحه ۵

# در باره حوادث چک اسلواکی

در ماه ژانویه ۱۹۶۸ پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست چکوسلواکی (ح.ک.ج.) رهبری جدیدی برگزید و آنتونی نووتنی را بعنوان دبیر اول از کار برکنار کرد و ضرورت اصلاح اشتباهات گذشته و بهبود شیوه رهبری و بسط دموکراسی سوسیالیستی را متذکر گردید.

حزب ما مانند بسیاری از دیگر احزاب کمونیستی و کارگری جهان نسبت به این تصمیمات تفاهم کامل نشان داد و اصلاح شیوه‌های منسوخ را در رهبری حزب، دولت و جامعه و استقرار تناسب صحیح بین دموکراسی و مرکزیت و بسط دموکراسی سوسیالیستی را در جمهوری سوسیالیستی چکوسلواکی سودمند و ضرور دانست. زیرا برای تأمین تکامل سریع جامعه سوسیالیستی باید آن اسالیب و موازین و مؤسساتی که دیگر در شرایط مشخص تاریخی کهنه شده است و دیگر پاسخگوی نیازمندی‌های رشد نیست جای خود را به اسالیب و موازین و مؤسساتی بدهد که تکامل جامعه سوسیالیستی را بهتر تأمین نماید، مارکسیسم ولنینیسم را به ویژگیها و شرایط کشور بخوی خلاق تری انطباق دهد، بر جاذبه جامعه سوسیالیستی و کارائی سیستم اقتصادی-اجتماعی آن بیافزاید. ولی متأسفانه از همان آغاز یک سلسله

پدیده‌ها در جامعه سوسیالیستی چکوسلواکی پدید شد که ماه نگرانی گردید. ذکر همه واقعات در اینجا میسر نیست ولی ما به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱ - وسائل عمده تبلیغ مانند رادیو، تلویزیون و روزنامه عرصه فعالیت شدید نیرو هائی قرار گرفت که از سوسیالیسم استنباط ویژه‌ای داشتند و نسبت به کشورهای سوسیالیستی متحد چک اسلواکی و بویژه اتحاد شوروی روش گاه غیر دوستانه‌ای را در پیش گرفتند. جرائدی مانند «لترارنی لیستی»، «ملادا فروتا»، «پراتسه»، «رپورتر» به تقبیح شدید گذشته، سست کردن باور عمومی به اصول متداوله، بخش نظریات تازه‌ای در باره سیاست داخلی و خارجی چک اسلواکی پرداختند؛

۲ - در کنار حزب کمونیست، مؤسسات سیاسی دیگری بتدریج وارد میدان عمل شدند، احزاب «جبهه ملی» طی اعلامیه‌ای حق مساوی خود را با ح.ک.ج. برای شرکت در حکومت اعلام داشتند، حزب سوسیال دموکرات، چنانکه جرائد برخی کشور های سوسیالیستی نوشته اند، علیرغم تصویب دولت مخفیانه دست باجناد شبکه زد. کلوب «۲۳۱» و کلوب «غیر حزبیهای متعهد» که در آن همه گونه عناصری بودند تشکیل شد. وقتی در ماه فوریه کریگل عضو هیئت سیاسی ح.ک.ج. رسماً از ضرورت بازگشت به سیستم «دولتیستی» (تعدد احزاب) و «پارتیزم» (حق مساوی شرکت احزاب در دولت) سخن گفت این امر در

حکم تشویق این سازمانهای سیاسی به بسط فعالیت خود بود. در پایان ژوئیه نامه معروف به «۲۰۰۰ کلمه» که یک پلاتفرم رپورتیونیستی بود نشر یافت. در اینجا باید این نکته را افزود که در طرح تازه‌ای که ح.ک.ج. برای اساسنامه خود تهیه کرده بود «حق اقلیت» را در حزب که نوعی قبول فراکسیون بود، پذیرفته بود و این گفته‌ها در میان بود که در کنفرانس ماه سپتامبر سیاست نوین سازمانی حزب تصویب گردد؛

۳ - از طرف رجال رسمی دولتی سخنانی آشکارا در مطبوعات و مصاحبه‌ها گفته شد که نشانه وجود مقاصدی در باره تغییر عمیق سیاست داخلی، خارجی و اقتصادی بود. مثلاً چستومیر چیزار دبیر حزب در ماه فوریه گفت که یکی از شرایط دمکراتیزاسیون جدا کردن رهبری حزب از دولت، اقتصاد و فرهنگ است. دکتر هایک وزیر خارجه از ضرورت ایجاد تغییراتی در سیاست خارجی چک اسلواکی سخن گفت. ژنرال پرشکیک رئیس بخش امنیت کمیته مرکزی از ضرورت تغییر در مقررات پیمان ورشو سخن گفت و شایعاتی در باره خروج از این پیمان قوت می‌گرفت؛

۴ - نمایندگان عمال شناخته شده امپریالیسم امریکا و آلمان غربی دست بفعالیت شدیدی در چک اسلواکی زدند هتل های «آلکرون» و «اسپلاناده» در پراگ به مرکز تجمع آن نوع خیرنگاران غربی مبدل شد که روابط معینی با محافل دولتی و جاسوسی کشورهای سرمایه داری دارند. برژینسکی کار شناس معروف ضد شوروی امریکائی در چک اسلواکی سخنرانیهای داد و در آن افکار تجدید نظر طلبانه شدیدی را بیان کشید. دکتر بلسنگ رئیس بانک آلمان غربی برای مذاکره به چک اسلواکی آمد. والتر شل رئیس حزب لیبرال آلمان غربی و ایپلر وکیل مجلس از حزب سوسیال دمکرات به چک اسلواکی آمدند. برای بیان اهمیت مسافرت والتر شل همین پس که وی گزارش این مسافرت را به کبیترنگر و براندت داد.

مطبوعات سرمایه داری، رادیو و تلویزیون در این کشورها به شکل بیسابقه‌ای بدفاع از تحولات چک اسلواکی و سیاه جلوه دادن گذشته آن پرداختند. پروفیسور مهنرت که از کارشناسان معروف کشورهای شرقی است در توصیف حوادث چک اسلواکی در ۳۰ مارس ۱۹۶۸ در تلویزیون آلمان غربی گفت: «این جریان در چک اسلواکی تکامل در آن سمتی است که لنین را بشدت خشمناک می‌کرد یعنی تکامل در جهت سوسیال دموکراسی یا سوسیالیسم دمکراتیک». پروفیسور مهنرت افزود: «منطق اشیاء حکم می‌کند که روزی بگوئیم سوسیال دموکراسی در این کشور زمام امور را بدست گرفته است.»

روزنامه فرانکفورتر روندشائو در تاریخ ۲۸ مارس ۱۹۶۸ نوشت که در چک اسلواکی «دگماتیکیها گام بگام از رأس امور پلیس، ارتش و دادگستری و بوروهای ایده‌نولوژیک دور میشوند». یا مثلاً کریسکی رئیس حزب سوسیالیست اظهارش در روزنامه «دی ولت» (هامبورگ) نوشت: «در مرحله اخیر در چک اسلواکی یک جریان دموکراتیزاسیون واقعی عملی میشود. در نتیجه این جریان دیگر چک اسلواکی یک کشور دیکتاتوری کمونیستی نبود. دست‌آگاه‌ها کمه دیکتاتوری کمونیستی را تکامل درونی حوادث فلج

می‌کرد». روشن است که مقصود کریسکی سوسیال‌دمکرات از «دیکتاتوری کمونیستی» و فلج شدن آن چیست و آنها در پایان پروسه «دمکراتیزاسیون» چه میدیند. مهنرت و کریسکی در واقع جریان «ضد انقلاب آرام» را در سخنان خود بیان میکنند. تردیدی نیست که این امر یک پروسه کمایش طولانی بود ولی، گفته رفیق گومولکا دبیر اول حزب لهستان چک اسلواکی بر سرایشی قرار گرفته بود که پایان آن روشن نبود.

این جریان در چک اسلواکی روز بروز شدت می‌یافت. کار بجائی رسید که نویسندگان «نامه ۹۹ نفر» کارگران کارخانه «اوتو پراگ» به روزنامه پراودا، که در آن در عین تأیید رهبری جدید و مشی آن، نسبت به روحیات و اظهارات ضد شوروی ابراز نگرانی شده بود، بعنوان «خائن» مورد فشار عده‌ای از جراید قرار گرفتند و حتی در تاریخ ۸ اوت، بنا بشرح مفصلی که روزنامه «روده پراو» ارگان ح.ک.ج. در ۱۷ اوت نگاشت، عده کثیری از جوانان در مقابل کمیته مرکزی گرد آمدند و رهبری حزب را، که بعقیده آنان باندازه کافی در جاده مطلوب تفریفت «خوگهای ترسو» خواندند و سنگ به در و بنجره عمارت کمیته مرکزی پرتاب کردند. رهبری حزب در جلسه کمیته مرکزی در ماه مه تصدیق کرد که اکنون خطر عمده از سمت راست است ولی عملاً برای جلوگیری از این خطر گام مؤثری برداشته نشد.

تسامح رهبری حزب بدان نشان میداد که رهبری تصور خاصی از دموکراسی سوسیالیستی دارد و بویژه بامکانات خود برای حفظ ابتکار و غنان زدن به نیروهای ضد سوسیالیستی که دمدم نیرو می‌گرفتند بر بها میدهد یا این نیروها را ناچیز می‌شمرد و حال آنکه حوادث بعدی و فعالیت وسیع نیروهای ضد سوسیالیستی که به مطابع، رادیوها، تلویزیون و مراکز تسلیحات مجهز بودند نشان داد که این نیروها بیکار نبودند و کم بها دادن به قدرت عمل و تأثیر آنها عملی مدبرانه نبود. دموکراسی سوسیالیستی، دموکراسی همراه با مرکزیت، دموکراسی همراه با رهبری طبقه کارگر و حزبی، دموکراسی همراه با دیکتاتوری پرولتاریاست. لزومی ندارد از

این افراط که احدی جز «پیشوا» یا «گروه زنده‌ای رهبران» حق اظهار نظر انتقاد و ابتکار نداشته باشند به این تفریط رفت که بهمه انواع نظریات حتی نظریات ضد سوسیالیستی میدان بروز و عمل داده شود. آری ما خواستار تأمین وسیعترین حقوق دمکراتیک برای انسان هستیم ولی تحقق این امر در شرایط کنونی تاریخی که دشمن طبقاتی امپریالیستی هنوز مواضع مهمی را در دست دارد و برای جلوگیری از پیشرفت سوسیالیسم از هیچ اقدامی فروگذار نمیکند و بقایای ایده‌نولوژی بورژوازی هنوز در جوامع سوسیالیستی از میان نرفته است فقط بشکل محدود و بصورت گام بگام شدنی است. حدود این دموکراسی به تناسب قوای انقلاب و ضدانقلاب در جهان و در درون کشور معین به درجه رشد اقتصادی و فرهنگی آن کشور معین بستگی دارد یعنی دموکراسی مانند همه مقولات تاریخی امری است کنکرت. مسلماً اجراء موازین اسکید ساترالیستی در چک اسلواکی امروزی که کشور سوسیالیستی رشد یافته است کاری نادرست است. زیاده روی در جهت عکس آن نیز نادرست است و اینرا واقعبیت نیز نشان داده است.

کشورهای سوسیالیستی شوروی، آلمان دموکراتیک، لهستان، مجارستان، بلغارستان طی ملاقاتهای جمعی و دو جانبه عهده‌ای در بردن، مسکو، پراگ، چرنا نادیتسو، براتیسلاوا نگرانیهای خود را با رهبری ح.ک.ج. در میان گذاشتند. رهبری ح.ک.ج. وجود فعالیت از جانب عناصر ضد سوسیالیست و رپورتیونیست را تأیید کرد ولی عملاً این اقدامات از حدود برخی تقبیح‌های رفیق فراتر نرفت. پس از کنفرانس براتیسلاوا و توافق شش حزب در آن که مایه شادمانی و خرسندی کمونیست های جهان شد، سمرکوسکی رئیس مجلس در ۷ ثوت ۱۹۶۸ در مصاحبه‌ای در «نوستی نادلبم» گفت: «اعلامه براتیسلاوا را باید اول به چکی ترجمه کرد. آنچه که ما میخواهیم، بدان رسیده‌ایم. حالا باید آنچه را که در براتیسلاوا از دست داده ایم، بدان برسیم.»

این وضع بحق بر نگرانی کشورهای سوسیالیستی دمبدم می‌افزود، زیرا آنها میدانستند که رخنه ایده‌نولوژیک یا باصطلاح سایش و «فرسایش» تدریجی ایده‌نولوژیک (اروزیون) در کشورهای سوسیالیستی و باصطلاح «دمونتاژ» تدریجی سوسیالیسم در این کشورها و اجراء تاکتیک «ضد انقلاب از راه خزش آرام»، یکی از تاکتیکهای امروزی امپریالیسم در کشورهای سوسیالیستی است. آنها میدانستند که فرمول «همزیستی انتخابی» (سلکتیو) که امپریالیستهای امریکا به پیش کشیده اند و معنایش همزیستی همراه با امتیاز دادن به آن کشور های سوسیالیستی است که راه مخالفت با اتحاد شوروی را در پیش گیرند، یکی دیگر از تاکتیکهای نوین امپریالیستی است. آنها میدانستند که باصطلاح «سیاست شرقی» آلمان غربی دنباله در صفحه ۴

# در باره حوادث چک اسلواکی

چیزی جز ایجاد تفرقه در میان کشورهای سوسیالیستی بمنظور منفرد کردن آلمان دموکراتیک نیست، آنها میدانستند که مقاومت ایده تئولوژیک بورژوازی و خرده بورژوازی بگفته لنین «عمیق ترین و نیرومند ترین» شکل مقاومت آنهاست. سیاست نوین رهبری ج. ک. چ. متأسفانه باین عوامل منفی، ولو از روی اشتباه در حساب، ولو از روی نیاتی دمکراتیک و انساندوستانه، میدان میداد که نتایج و عواقب آن معلوم نبود.

کشورهای سوسیالیستی چنانکه مذاکرات چرنا نادیتسو و براتسلاوا نشان داد خواستار آن نبودند که رهبری ج. ک. چ. در کورس دمکراتیزاسیون کشور تغییر دهد، بلکه خواستار آن بودند که رهبری حزب کمونیست تحکیم شود، جلوی عناصر ضد سوسیالیست، ضد انقلابی، ناسوسیالیست، ضد آزادی غیرمحدود مطبوعاتی که جنجال بزرگی علیه گذشته سوسیالیستی چک اسلواکی دستاورد های آن، علیه کشورهای متحد سوسیالیستی برانداخته بودند گرفته شود. وقتی رهبری ج. ک. چ. که ظاهرًا هر اسان بود با اقدامات قاطع افکار بخشی از اهالی و گروهی از روشنفکران و روزنامه نگاران را علیه خود برانگیزد، در این عمل تردید کرد، آنگاه کشورهای سوسیالیستی بر سر دوراه فرار گرفتند: یا میبایست بگذارند جمهوری سوسیالیستی چک اسلواکی با همه اهمیت بزرگ صنعتی و استراتژیک خود در جاده مهیمی سیر کند و با از انکار جلو گیری کنند، یا میبایست بخاطر مراعات موازین صوری دست بر دست نهاده تماشاگر بمانند یا باید با قبول مقداری ناگوارها و بخاطر منافع طبقاتی پرولتاریا وارد اقدام شوند. لنین میگوید: «عناصر ضد انقلابی دشمنان شرور زحمتکشاند، زبرک، دانا، با تجربه اند، با صبر و حوصه تمام منتظر لحظه مناسبند تا توطئه ای برانگیزند. نسبت باین دشمنان زحمتکش باید روش بی امان داشت.»

(کلمات بزبان روسی، ج ۳۹، ص ۱۵۵)

این جریان بویژه برای اتحاد شوروی که وظیفه عمده دفاع از اردو گاه سوسیالیستی بعثت قدرت اقتصادی و نظامی ناگزیر بر عهده اوست، برای اتحاد شوروی که در راه نجات چک اسلواکی از هیتلریزم ۱۵۰ هزار تن از فرزندان خود را تنها در خاک این کشور قربانی داده است، برای اتحاد شوروی که موافق فهرست منتشره در روزنامه پراودا بخاطر تحکیم سوسیالیسم سه میلیارد و نیم دلار کمک اقتصادی به چک اسلواکی کرده است، برای اتحاد شوروی که از جهت انقلابی و انترناسیونالیستی موظف است نه فقط نگذارد تناسب قوای انقلاب و ضد انقلاب در صحنه جهانی بزبان انقلاب تقویت شود، بلکه بسود انقلاب دگرگون گردد، جریانی حماس بود. بدینسان تصمیم به اعزام قوای مسلح از طرف پنج دولت پیمان ورشو بر

پس از مذاکرات مسکو نشان میدهد که اینک قضاوت هشیارانه نسبت بامور بتدریج جا باز میکند. مثلاً آکساندر دوبچک دبیر اول حزب پس از بازگشت از مسکو گفت: «ما ایمان راسخ داریم که برای نرمالیزه کردن وضع در کشور وسائل کار فعالت را خواهیم یافت. این ایمان راسخ ما را مذاکراتی که در مسکو داشته ایم و دیروز خاتمه یافته است تقویت میکند. نمایندگان شوروی تلاش بسیاری انجام دادند برای آنکه روابط ما در شرایط واقعی امروزی نرمال شود.»

آکساندر دوبچک در سخنرانی خود در پلنوم کمیته مرکزی در اول سپتامبر گفت که «حزب کمونیست چک اسلواکی نسبت بمنافع استراتژیک و دیگر منافع عمومی کشورهای پیمان ورشو و از آنجمله اتحاد شوروی جدگافی توجه نکرده بود و این یک عامل واقعی و عینی است که اقدامات ممکنه در راه رشد سیاسی ما را محدود میکند.» علاوه بر دبیر اول ج. ک. چ. لودویگ سوابدا رئیس جمهور این کشور نیز با نظر نقادانه به شیوه عمل گذشته حزب نگریست. وی در سخنرانی خود در جلسه پلنوم آغاز سپتامبر ۱۹۶۸ چنین گفت: «باید کار عملی و سیاسی ج. ک. چ. را از آن نقائص و اشتباهاتی که در ماههای گذشته حزب را تضعیف میکرد و از این طریق میدان را برای تکامل گرایشهای منفی یا ضد سوسیالیستی آماده میساخت، آزاد کرد. لازمه اجراء تمهداتی که ما در مسکو بعهده گرفتیم اقدامات فوق العاده است. لذا اگر کوشش شود که این اقدامات فلیج گردد، این عمل نه فقط پندار باطلی است، بلکه عواقب جدی خواهد داشت.»

الدریچ چرنیک نخست وزیر ج. س. چ. در سخنرانی خود در روز ۱۳ سپتامبر ۱۹۶۸ در مجلس چنین گفت: «مشی اساسی سیاست پس از ژانویه، که اکثریت خلق آنرا تأیید کرد، با یک سلسله تمایلات افراطی روبرو گردید، اعم از دگماتیک که خواستار بازگشت به گذشته بود و یا مشی راستروانه که با تعمیم غلط اشتباهات رشد و تکامل ما بعد از سال ۱۹۴۸ به نقی رهبری، نقی نقش حزب و تردید یا حتی انکار علنی سوسیالیسم میرسید. اجراء عملی چنین گرایش هائی از جهت منافع و هدفهای جامعه و از لحاظ سیاسی اقدامی بود فاقد مسئولیت. در دوران کوتاهی، طی چند ماه رشد و تکامل ما، در برخی موارد، خصلت شتابکارانه و عدم تعادل بخود گرفت. ما نتوانستیم بموقع گرایشهای را تحلیل کنیم که بنظام سیاسی داخلی ما و عواقب آن برای وضع بین المللی ما مربوط میگردد.» و سر انجام گوستاو هوساک دبیر اول اسلواکی و عضو کنونی هیئت رئیسه حزب که از هواداران مشی دوبچک است در تاریخ ۳۰ ژوئن در

جلسه کنفره فوق العاده اسلواکی چنین گفت: «من شنیدم که برخی ها میگویند باید مقاومت کرد (یعنی در مقابل موافقتنامه مسکو - مردم) باید عصیان ورزید، کین ورزید و غیره. فکر کنید که این اظهارات ما را بکجا میتواند بکشاند. کیست که خواستار است خاق ما را به جنگ برادر کشانه سوق دهد؟ کیست که ویرانی و هزاران تلفات میخواهد؟ برای چه مقصود؟ برای کدام دورنا؟ در دوران مذاکره در مسکو از ما نخواستند که مهره ای بیجان یا چاکری حرف شنو باشیم. برعکس. از ما خواستند که ما راه حلی که برای ما قابل قبول باشد بیابیم. برای ما تنها یک راه حل وجود دارد: راه هشیارانه، راه عقل هشیار و برخورد با مسئولیت به خلق خود. هر راه دیگر، راه ماجراجویی سیاسی است. هر قدر هم که آنرا با کلمات و عبارات زیبا ادا کنند.»

چنانکه خبر نگاران کشورهای سوسیالیستی مینویسند اکنون در کنار اقداماتی که حزب، دولت و مجلس برای عادی کردن وضع در چک اسلواکی و اجراء موافقتنامه مسکو بعمل میآورند فعالیت آشکار و نهانی نیز از طرف نیرو های راست انجام میگردد و در اثر حوادث ماههای اخیر سردر گمی زیادی در اذهان عمومی پیدا شده که میتواند باین فعالیتهای راست و غیر سوسیالیستی میدان بدهد لذا کار نرمالیزه کردن وضع بکندی پیش میرود و همه چیز نشان میدهد که راهی دراز و دشوار در پیش است. ما امیدواریم که رهبری حزب چک اسلواکی بتواند این راه دشوار را با موفقیت طی کند و وضع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ایده تئولوژیک در این کشور بسود سوسیالیسم تحکیم گردد.

حزب ما در اعلامیه کمیته مرکزی در اظهارات دبیر اول کمیته مرکزی که در رادیو پیک ایران پخش شد موافقتنامه مسکو را تأیید کرد و بر آنست که با این شیوه کار به وظایف برادری خود با ج. ک. چ. با خلق های چک و اسلواکی عمل کرده است. تاریخ در آینده بهتر از امروز صحت این روش را روشن خواهد ساخت.

**تغییر آدرس**

**رادیو پیک ایران**

هموطنان عزیز! رفقای حزبی!

به این آدرس در استکهلم (سوئد) با رادیو پیک ایران، ماهنامه مردم، مجله دنیا و مجله مسائل بین المللی مکاتبه کنید. نظریات، انتقادات و پیشنهاداتی خود را برای بهبود رادیو و مطبوعات و مجموعه فعالیت ما ارسال دارید.

**P. B. 49034**  
**Stockholm 49**  
**Sweden**

دنباله از صفحه ۲

در باره «انقلاب آموزش عالی»

شیوه های استفاده از آن منابع و بکار بستن این نتایج است. گسرد آوری و سیستماتیزه کردن نتایج پژوهشهای جهانی و گذاردن آنها در دسترس پژوهندگان ایرانی بزرگترین و ضروری ترین کاریست که دولت میتواند و باید در این زمینه انجام دهد، تا متخصصین ایران بتوانند در پژوهشهای خود در حدود نیازهای واقعی کشور از آنها بسود کشور بهره برداری نمایند.

در زمینه هدفهای «انقلاب آموزشی»

هدف ناگفته ای نیز وجود دارد و آن کوشش در راه منحرف کردن جهت مبارزه دانشجویان و کند کردن لبه تیز این مبارزه از طریق دادن بعضی اختیارات خرد و ناچیز در «کلیه (؟) امور دانشجویان از قبیل رفاه دانشجویان، فعالیت های فرهنگی، هنری، علمی، ورزشی و مسافرتهاى دستجمعی و غیره» میباشد. دانشجویان ایرانی که سالهاست چه در داخل و چه در خارج کشور با رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک ایران و با مقامات و مسئولین خود سر و خود رأی دانشگاهی مبارزه کرده اند، اکنون باید از طریق کمیته های دانشجویی که بر موازین کاملاً غیردموکراتیک «انتخاب» میشوند، فقط به فعالیت های فرهنگی و هنری و ورزشی سرگرم شوند و از این راه در تعیین سرنوشت و دانشگاه خود «شرکت» ورزند! و این کار در زمانی انجام میگردد که موج عظیم جنبش دانشجویی تقریباً سراسر کشورهای جهان را فرا گرفته است و دانشجویان بیش از پیش شرکت خود را در تعیین سرنوشت سیاسی و اقتصادی کشورهای خویش خواهند دید. بدیهی است رژیمی که استقلال دانشگاه را پایمال میکند و استادان دانشگاه را از حقوق مکسبه خود در تعیین رؤسای دانشکده ها و دانشگاهها محروم میسازد و اداره امور دانشگاهها را عملاً بدست دربار میسپارد، «حق» بیشتری برای جوانان قائل نخواهد شد. رژیم با سرگرم کردن دانشجویان بکار کمیته های دانشجویی، نخواهد توانست فکر دانشجویان را از مبارزه واقعی منحرف سازد. دانشجویان ایران بیدار تر از آنند که کارگردانان رژیم بتوانند آنها را فریب دهند. آنها از همین وسائل موجود بسود پیشرفت واقعی جنبش دانشجویی استفاده خواهند کرد و سرانجام سازمانهای واقعی دانشجویی را بوجود خواهند آورد.

برنامه عمل رژیم

در منشور رامس یک سلسله اقدامات اداری، سازمانی، استخدامی و مالی در جهت تقویت و توسعه دانشگاهها و مراکز تحقیقاتی، تشدید نظارت دولت، جلب همکاری بخش خصوصی، بهبود وضع مادی استادان و پژوهندگان و غیره پیش بینی شده است که در صورت اجرا شدن میتواند در وضع دانشگاهها و امور تحقیقات بهبود نسبی بوجود آورد. ولی این اقدامات هر قدر هم بطور

دنباله از صفحه ۱

## ده روز فستیوال

اسلحه از میهن خود دفاع میکردند، گل و پرچم بدست گرفته و وارد میدان میشدند، با ورود آنها همه بیا خاستند و همبستگی خود را با قهرمانان و پتانم نشان دادند.

هیئت نمایندگی جوانان توده ایران، با تمام مشکلاتی که سر راه خود داشت، با نظم و ترتیب در فستیوال شرکت کرد، در اولین جلسه آن رئیس هیئت نمایندگی گفت: «رفقای عزیز ده روز فستیوال برای ما که بزحمت خود را با اینجا رسانده ایم، ده روز کار و فعالیت خواهد بود» و جوانان با قیافه مصمم و چشمان متبسم نشان دادند که برنامه دلگاسیون را به بهترین شکل انجام خواهند داد. در همان جلسه پیامی خطاب به جوانان قهرمان و پتانم تنظیم شد، همانطور پیامی برای زندانیان سیاسی، به رفقا حکمت جو، خاوری، صابر محمد زاده و آصف رزم دیده و کلبه زندانیان سیاسی ایران بتصویب رسید. در پیام از جمله چنین گفته شده بود:

«رفقای عزیز، ما پرچمی را که شما افرشته نگه داشتید، پرچمی که بخون بهترین فرزندان میهن ما رنگین شده است بر دوش داریم. ما این پرچم را در اجتماع عظیم جوانان باهتر از در خواهیم آورد.» و این پرچم، پرچمی بود که شهدای جوان جهانگیر باغدانیان، هوشنگ پور رضوانی، وازطان سلاخیان، کوچک شوشتری بر دوش داشتند هیئت نمایندگی تصمیم گرفت که یک گروه چند نفری این پرچم را بر دوش گیرند و روز رژه، آنرا در میدان باهتر از در آورند، یکی از شرکت کنندگان گشایش فستیوال و رژه گروه چند نفری را اینطور توصیف میکند:

«دلگاسیون ها یکی پس از دیگری با سرود های میهنی و ملی خود با پرچمهای برافراشته وارد میدان میشدند هیا هو و شادی جوانی باوج خود رسیده بود، وقتی جوانان شوروی با پرچمهای سرخ وارد میدان شدند این سرود را میخواندند «میهن هیچ دشمنی نباید تو را بخطر اندازد» شور و شغف ادامه داشت، تا آنجا که پرچم میهن را در دست رفیق خود دیدیم که مردانه بایک هیئت کوچک وارد میدان میشد. حق نداشتیم ابراز احساسات کنیم، باید بعد از مردم شروع میکردیم، زیرا در آنجا هم اصول شرایط مخفی برای ما بشدت ادامه داشت و ما را وادار بسکوت میکرد. شب هنگام نخست دستورات خود را برای شرکت در برنامه سیاسی فستیوال دریافت کردم و به رختخواب رفتم. آنشب بخواب نرفتم ساعتی متادای در اندیشه بودم، از این نظم و ترتیب که چگونه این جمعیت بدون خشونت و دخالت آموزش و پژوهش تأمین نماید، ولی ماهیت ضد ملی و ضد دموکراتیک رژیم به برانداختن تضاد های ناشی از نظام سرمایه داری در عرصه آموزش قادر نخواهد بود.

مسعود

بلیس نظم و ترتیب یافته. یکی از رفقا در روز گفته بود من اولین باری است که از بلیس نمیرسم».

روز دوم فستیوال، روز همبستگی با مردم و جوانان رزمنده و پتانم بود، هزاران جوان در کار دستجمعی بنفع و پتانم شرکت کردند، تمام رفقای ما نیز در درختکاری برای ایجاد باغ دوستی با و پتانم کار کردند و در مینگی که تشکیل شد از طرف دلگاسیون سخنرانی بعمل آمد. در روزهای بعد، دلگاسیون جوانان توده ای در مینگی همبستگی با خلقهای عرب، پشتیبانی خود را از مبارزه آنها اعلام نمود، در فوروم بین المللی تحت عنوان مبارزه علیه امپریالیسم، برای صلح، دمکراسی و استقلال ملی در سمینار های اصلاح ارضی، حقوق جوانان، زندانیان سیاسی، فقر گرسنگی و بیسوادی و همچنین در کنفرانس مجله صلح و سوسیالیسم و در کنفرانس دانشجویی شرکت نمود و در سخنرانیها وضع جوانان کشور و مبارزه آنها را شرح داد.

دختران عضو دلگاسیون در روز دختران به دختران و پتانم هدیه دادند و در سمینار دختران و زنان جوان شرکت کردند. هنگام ملاقات با دلگاسیون جوانان شوروی مطالب مختلف سیاسی مورد بحث قرار گرفت و جوانان دو کشور از طرز فعالیت سازمان های جوانان خود صحبت کردند و هدایایی مبادله شد، معاون کمیته جوانان شوروی مبارزات جوانان توده ایران را ستود و گفت بین ما و شما همکاری متقابل و دوستانه ای برقرار است و ادامه خواهد یافت و رفقای جوان ما میتوانند همیشه در مبارزه خود از پشتیبانی جوانان شوروی برخوردار باشند. در ملاقات با دلگاسیونهای کشور های مختلف، هنگام بازدید از مؤسسات بلغارستان، جوانان ایرانی صفحه سرود های مبارزه، عکسهای دکتر تقی ارانی، جزوه «جوانان ایران میرزمند» و همچنین هدایایی از کار هائی دستی و هنر های ملی ایرانی تقدیم آنها مینمودند. گروه هنری دلگاسیون، چندین برنامه هنری در صوفیه و شهرهای مختلف اجرا نمود و در کنکور رقص برنده جایزه شد. ولی کار هنری هنرمندان بهمین جا خاتمه نیافت، علاوه بر اینکه فعالانه در کارها و جلسات سیاسی شرکت میکردند، آنها در هر بر خورد، در هر سفر و در هر موقعیکه جوانان دور هم بودند موزیک و آواز خود را براه میبنداختند و همه را به رقص و آواز جوانان دور هم بودند موزیک و آواز خود را براه میبنداختند و همه را به رقص و آواز

وامیداشتند، سرود هائیکه در این روزها خوانده شد، آهنگهائی که جوانان یاد گرفتند سالهای سال یاد خواهد ماند. مخالفین فستیوال کوشیدند تا از داخل آنرا بهم زند، تنها سازمان جاسوسی سیالیه ۵۰ میلیون دلار برای فعالیت خرابکارانه در سازمانهای مترقی جوانان و بخصوص امسال برای برهم زدن فستیوال خرج کرده بود. عناصریکه میخواستند در نهضت جوانان اختلاف اندازند، علیه فستیوال تحریک کنند، بزودی خود را تنها یافتند، تدارکاتشان نقش بر آب

# اخباری از ایران

جان رفیق پرویز حکمت جو در خطر است، وی در اثر نامساعد بودن وضع زندان در برازجان، و فقدان وسائل بهداشتی دچار درد مهره های پشت شده است، پزشکان گفته اند که معالجه در برازجان ممکن نیست و باید در تهران یا شیراز تحت عمل جراحی قرار گیرد، دستگاههای انتظامی با این انتقال موافقت نمیکنند و در برازجان هم وسائل جراحی و دکتر جراح وجود ندارد. تمام درخواستها و تلاشها در این زمینه ب نتیجه نرسیده است، ما نسبت به این روش ضد انسانی دستگاههای انتظامی، شدیداً اعتراض میکنیم و اعلام میداریم که هر خطری متوجه جان رفیق پرویز حکمت جو شود، دستگاههای انتظامی، دادگستری و بهداری و دولت مسئولیت مستقیم خواهند داشت.

مبارزه دانشجویان دانشسرای عالی برای تبدیل دوره دو ساله فوق دیپلم به دوره ۴ ساله لیسانس در اثر وحدت و پیگیری به نتیجه رسید، گرچه اعتصاب بهمن ماه گذشته با مداخله وحشیانه پلیس در هم شکست، ولی اتحاد دانشجویان و حقانیت خواست آنها دولت را وادار کرد که بتقاضای دانشجویان توجه نمایند.

سازمان حزب ما در تهران بمناسبت سالگرد ۳۰ تیر ترا کتهائی با کاغذ های الوان منتشر نمود، روی این ترا کتها از جمله نوشته شده بود: پیروزی نیرو های ملی و مترقی در قیام مقدس سیام تیر ۱۳۳۱ دلیلی بزرگ بر صحت عمل اتحاد نیرو ها و مبارزه متحد و متشکل در مقابل دشمن مشترک است، درود خفتهای میهن ما به شهیدان سیام تیر که با تار خون خود بر تارک تاریخ مبارزات ضد استعماری و ضد استبدادی جای گرفتند، درود بهمه زندانیان سیاسی که در زندانها نیز با ایمانی خلل ناپذیر با استعمار و استبداد مبارزه میکنند. اتحاد مبارزه پیروزی شعار همه نیرو های ملی و مترقی است.

در پتروشیمی بندر شاهپور ۸۰ نفر مهندس و متخصص خارجی استخدام کرده اند بعضی از آنها باندازه کارگران فنی محلی نیز اطلاعات فنی ندارند، اینها دو برابر مهندسين ایرانی که در همین محلها کار میکنند حقوق و مزایا دارند، این متخصصین امریکائی، انگلیسی و آلمانی و فرانسوی علناً رشوه گرفتن را باب کرده اند برای استخدام یک کارگر ۵۰۰ تومان در خواست میکنند. و برای پرداخت حقوق و فوق العاده کار بجائی رسیده که از کارگران و بسکی و سبگار خارجی طلب میکنند. اخیراً این مهمانان ناخوانده از کارگران خواسته اند برایشان وسائل عیاشی فراهم سازند، و وقتی با مقاومت یک یکپارچه کارگران برخوردند آنها را تهدید باخراج نمودند. کارگران که در اثر اتحاد بنبروی خود پی برده اند از پای نمی نشینند و تمام مقامات شکایت میکنند، اداره کار نه تنها توجه به شکایت کارگران

دنباله از صفحه ۱

## اسناد حزبی

مرکزی بموقع خود بیان گردیده و در روزنامه پروادا ارگان مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی انتشار یافته است ذیلا نقل میشود:

اقدام پنج کشور سوسیالیستی که منظور کمات برادرانه به حزب کمونیست چکوسلواکی بعمل آمده مورد تأیید کامل حزب توده ایران است. حزب ما این اقدام احزاب کمونیست و دولت های سوسیالیستی را بعنوان اجراء وظیفه انترناسیونالیستی آنها بمنظور دفاع از سوسیالیسم در چکوسلواکی و دفاع از صلح جهانی و ترقی اجتماعی تلقی میکند.

این يك عمل عادلانه است که موجب حفظ و تحکیم دستاوردهای سوسیالیستی در چکوسلواکی خواهد بود. نمیتوان دست امپریالیسم را برای فعالیت سبهاکارانه اش برای جدا ساختن چکوسلواکی از جمع کشورهای سوسیالیستی باز گذارد.

### اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

کمیته مرکزی حزب توده ایران وظیفه بزرگ انترناسیونالیستی خود میدانند که نظر خویش را درباره اعزام نیرو های نظامی پنج کشور سوسیالیستی به چکوسلواکی، که بنا بتقاضای گروهی از شخصیت های حزبی و دولتی جمهوری سوسیالیستی چکوسلواکی بر اساس تمهیدات ناشی از پیمان ورشو برای دفاع از سوسیالیسم در برابر حملات نیرو های ضد سوسیالیستی در چکوسلواکی انجام گرفته است، ابراز دارد.

ما با احساس مسئولیت کامل و درک اهمیت فوریت و ضرورت این اقدام، پشتیبانی قاطع خود را از آن اعلام میداریم. ما با نگرانی کامل وقایعی را که پس از پانوم ژانویه کمیته مرکزی حزب کمونیست چکوسلواکی در جمهوری سوسیالیستی چکوسلواکی روی داد دنبال میکنیم و میدیدیم که چگونه در نتیجه سیاست غلط برخی از عناصر در رهبری حزب کمونیست چکوسلواکی و درک نادرست مفهوم دمکراسی سوسیالیستی نیرو های ضد سوسیالیستی سر بلند کردند و فعالیت خود را روز بروز تشدید نمودند و بسط دادند.

با کمال تأسف رهبری حزب کمونیست چکوسلواکی با اینکه وجود خطر ضد انقلاب را منظور که در قطعنامه پانوم ماه مه کمیته مرکزی حزب کمونیست چکوسلواکی بیان شده، تصدیق کرد ولی بجز محکوم کردن آن در حرف، تدابیر مشخصی بر ضد آن اتخاذ نکرد.

بدون عمل قاطع پنج کشور سوسیالیستی دستاورد های سوسیالیسم در جمهوری سوسیالیستی چکوسلواکی در معرض خطر جدی قرار داشت. آینده بیش از امروز خصلت انقلابی و انترناسیونالیستی عمل قاطع پنج کشور سوسیالیستی را ثابت خواهد کرد و جنجال تبلیغاتی امپریالیستی نخواهد توانست برای مدت زیادی افکار عمومی را منحرف سازد.

زنده باد انترناسیونالیسم پرواتری!

زنده باد چکوسلواکی سوسیالیستی!

کمیته مرکزی حزب توده ایران  
دوم شهریور ۱۳۴۷

### موضع گیری حزب ما درباره مذاکرات

#### مسکو

انتشار اعلامیه مسکو درباره مذاکرات اخیر نمیتکند، حتی واسطه میشود که کارگران شکایت خود را پس بگیرند، فرمانداری و سازمان امنیت نیز عجز خود را در مقابل شرکت خارجی نشان میدهند و ژاندارمری متخصصین را احضار میکند. فشار همه جانبه دستگاههای دولتی که بارها نشان داده اند که مدافع کارگران نیستند، کارگران را وادار میکند که از شکایت خود بگنزند و با اینهمه چند نفر را منتقل یا اخراج کرده اند.

دنباله از صفحه ۵

## ده روز فستیوال

گشت و رسوا شدند.

در این ده روز جوانان توده ای آنچه را که بر عهده گرفته بودند انجام دادند، آنها در پیامی که برای جوانان ایران فرستادند فعالیت خود را اینطور شرح میدهند:

«ما جوانان ایرانی شرکت کننده در همین فستیوال جهانی جوانان و دانشجویان بسیار خوشوقتیم که توانستیم علیرغم مشکلات فراوان در اجتماع عظیم هزاران جوان از کشورهای مختلف جهان شرکت کنیم و با استفاده از کلیه فرصتها، وضع کنونی وطن خود، فقدان آزادیهای دمکراتیک، محرومیت های جوانان ایران و شرایط دشوار مبارزه شما را بیان کنیم.

ما در کارخانه ها و مزارع، در کنفرانس ها و میتینگها، در رژه ها و سایر برنامه ها پرچمی را که با خون بهترین فرزندان کشور گلگون شده است بر دوش داشتیم، ما جوانان جهان اعلام کردیم که جوانان ایران با همه دشواریها پرچم مبارزه را تا پیروزی نهائی در اهتزاز نگاه خواهند داشت.

ما شرایط دشوار زندانیان سیاسی ایران را برای کلیه شرکت کنندگان در فستیوال بیان کردیم، ما صدای کسانی را که بعزت مبارزات ملی، دمکراتیک و ضد امپریالیستی خود در ایران به بند کشیده شده اند به گوش همه جوانان جهان رساندیم و توانستیم احساس همدردی آنها را نسبت به مبارزین کشور خود جلب نماییم.

ما همبستگی جوانان و خلفهای زحمتکش

اتحاد جماهیر شوروی و چکوسلواکی بحق با رضایت و خرسندی از جانب همه مبارزان و هواداران صلح و استقلال، دموکراسی و سوسیالیسم استقبال کرده است. سند بسیار مهم مزبور بدون تردید منجر به محکمی است که به توطئه ها و عملیات خرابکارانه و تبلیغات دروغین محافل امپریالیستی و دست نشاندهاگان ضد انقلابی و ضد سوسیالیستی آنها وارد کرده است.

کمیته مرکزی حزب ما یکبار دیگر موافقت خود را با اقدامات بموقع و پیگیر اتحاد جماهیر شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی که بمنظور دفاع از دستاوردهای سوسیالیستی و برهم زدن نقشه های شوم محافل امپریالیستی و تلافی جوانان و نئونازیست های آلمان غربی در چکوسلواکی صورت گرفته است ابراز میدارد و از اینکه اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی توانسته اند در یک موقع بسیار حساس و بحرانی

بوظیفه انترناسیونالیستی خود عمل کنند و چکوسلواکی سوسیالیستی را از خطر بزرگی نجات دهند رضایت کامل دارد. کمیته مرکزی حزب توده ایران امیدوار است که موافقت حاصله در مذاکرات اخیر مسکو جمله عمل باشد و از آزمونهای اخیر بند های لازم گرفته شود و در آینده مجاهدت بیشتری در راه تقویت و تحکیم وحدت در اردوگاه سوسیالیستی، در جنبش جهانی کمونیستی و کارگری و در جنبش جهانی بخش ملی مینول گردد. کمیته مرکزی حزب توده ایران ۷ شهریور ۱۳۴۷

در سد لتیان که هزاران نفر کارگر کار میکنند قانون کار اجرا نمیشود، اولیاء امور تصویب نامه ای صادر کرده اند و برخلاف قانون کار برای پایان کار بجای ۱۵ روز حقوق فقط ۵ روز پرداخته اند. در همین سد که پول کارگران را نمیدهند برای جلوگیری از نفوذ آب در جنوب سد کمکی شش ماه

## در سمینار زنان آسیا

نماینده زنان دموکرات و مترقی ایران که برای شرکت در سمینار زنان آسیا که چندی پیش تشکیل شده بود به جمهوری توده ای مغولستان رفته بود گزارش میدهد که در سمینار موقعیت زن در اجتماع، تعلیم و تربیت و پرورش کودکان مورد بحث قرار گرفت. از مذاکرات و بحثها، بررسی شواهد و ارقام نشان میدهد که تنها در کشور های سوسیالیستی است که زنان در تمام شئون کشور مداخله میکنند و دارای هر نوع امکانی برای ترقی و پیشرفت هستند. با مقایسه با موقعیت زن در کشور ما باید گفت: میان ماه من تا ماه گردون تفاوت از زمین تا آسمان است. نمایندگان گزارش از پرورشگاهها، کودکستان ها، کمکهای مجانی طبی، مرخصی با حقوق پیش و پس از وضع حمل، امکان تحصیل و ترقی زنان، غیره و غیره میدادند. و با شنیدن آنها وقتی انسان بیاد کوچکی های کیفی ایران میافتد که بچه ها توی گرد و خاک بازی میکنند و بخاطر میاورد که مادری با بچه مریمش در جلوی بیمارستان ایستاده و گریه میکند و یک بچه دهانای باید فرسنگها راه برود تا به کلاس سپاهی دانش برسد. متأثر میشد. ولی وقتی بیاد قهرمانی مردم ایران، بیاد پیگیری آنها در مبارزه میافتد مطمئن میشد که زحمتکشانی ایران با اتحاد و مبارزه خود موفق خواهند شد بر ظلم و بیعدالتی چیره شوند و زندگی نوئی بسازند.

ایران را با تمام مبارزان دموکرات و ضد استعمار با تمام پیوندگان راه آزادی که سلاح بدست میرزمند بخصوص با خلق قهرمان و بنیام که از میهن و زادگاه خود دفاع میکنند اعلام داشتیم و عهد بستیم در هر گونه شرایطی از ایشان پشتیبانی کنیم. ما در این فستیوال با زندگی کار و تحصیل جوانان و ملت بلغارستان آشنا شدیم و دیدیم که حکومت توده ای چه امکانات وسیعی برای ترقی، سعادت و شگفتگی در اختیارشان گذارده است، در اینجا استثمار وجود ندارد و همه مردم بطور مساوی از تمام نعم مادی و معنوی برخوردارند ترقیات ملت بلغارستان که ما از نزدیک با ایشان آشنا شدیم شگفت انگیز است و آینده آنها بازم بهتر و زیباتر خواهد بود. ما ایمان راسخ داریم که در کشور ما نیز جوانان و همه مردم با قهرمانی و مبارزات پیگیر خود، ایرانی آزاد، آباد و مترقی خواهند ساخت.

ما همگام با همه شما، بخاطر فرا رسیدن هر چه زودتر آن روز مبارزه میکنیم. فستیوال با موفقیت تمام شد، شعله ای که بر بالای برج استاد یون واسیلی لوسکی مسوخت خاموش شد، جوانان با تشکر از دختران و پسران جوان بلغارستان، با تشکر از کمیته فستیوال، با تشکر از فدراسیون جهانی جوانان دمکرات، صوفه را ترک کردند، تا در میهن خود پرچم پیکار را بالاتر نگهدارند و شعله مبارزه را فروزاتر نمایند.

یک شرکت فرانسوی کار میکند و دارائی ملت را بعبج میزند، در حالیکه با کمترین خرج میشد یک دیوار بتنی کشید و جلوی نفوذ آب را گرفت.

شماره پانزدهم شعله جنوب ارگان تشکیلات خوزستان حزب توده ایران منتشر شد. ما موفقیت رفتارها در انتشار منظم شعله جنوب آرزو میکنیم و در شماره آینده رپرتاژ آنها منتشر خواهیم ساخت.